



تهدیدها و فرصت‌های پیش روی جمهوری اسلامی ایران
در نظم نوظهور منطقه‌ای در غرب آسیا
علی اکبر شادعلیزاده؛ حسین کوهساریان؛ مسعود مصدق^۳

۳۰

چکیده

منطقه غرب آسیا با قرارگیری در یک نقطه ژئواستراتژیکی و ژئوپلیتیکی در طول تاریخ مورد هجوم قدرت‌های بزرگ جهانی و درگیری بین قدرت‌های منطقه‌ای بوده است. با شروع قرن بیست و یکم که با سردمداری و هژمونی ایالات متحده آمریکا منطقه وارد منازعات و تنش‌های جدیدی شده که به شکل‌گیری قدرت‌های منطقه‌ای جدید در غرب آسیا شده است. جمهوری اسلامی ایران با محوریت نیروهای مقاومت به‌عنوان یکی از قدرت‌های اصلی و تأثیرگذار در این منطقه شده که مهم‌ترین مخالفت را با هژمونی ایالات متحده در منطقه دنبال می‌کند. از این رو پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی در پی شناسایی چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی جمهوری اسلامی ایران در نظم نوظهور منطقه‌ای در غرب آسیا هست. بدین منظور با انجام مطالعات کتابخانه‌ای و مصاحبه با خبرگان و کارشناسان صاحب‌نظر در این حوزه، فرصت‌ها و تهدیدهای مدنظر احصاء گردید. یافته‌های پژوهش نشان داد فرصت‌های پیش‌رو شامل بیداری اسلامی، گسترش روابط و توسعه همکاری اقتصادی با همسایگان و توسعه اتحاد منطقه‌ای، توسعه روابط با قدرت‌های جهانی، ایجاد نقش‌آفرینی فعال در بهبود و حل بحران‌های منطقه‌ای، تقویت محور مقاومت و همچنین استفاده از موقعیت استراتژیکی جغرافیایی خود برای بهبود و شکل‌گیری ترانزیت انرژی و کالا و تهدیدهای احصاء شده شامل افزایش نفوذ رقبای منطقه‌ای، حضور نظامی و سیاسی قدرت‌های خارجی، تحریم‌های اقتصادی و فشارهای بین‌المللی، ناپایداری‌های داخلی، اتحاد کشورهای عربی اسلامی با رژیم صهیونیستی، تغییرات ژئوپلیتیکی، گسترش درگیری رژیم صهیونیستی با محور مقاومت و درگیری مستقیم با ایران و در بخش پایانی پژوهش به تجزیه و تحلیل تهدیدها و فرصت‌های احصاء شده پرداخته شد.

کلیدواژه‌ها: تهدیدها، فرصت‌ها، نظم نوظهور، منطقه‌ای، غرب آسیا، جمهوری اسلامی ایران.

دوره ۸، شماره ۳، پیاپی ۳۰

پاییز ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۸/۱۵

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۹/۲۹

صص: ۳۴۹-۳۳۱

شابا چاپ: ۴۵۶۵-۲۵۸۸

الکترونیکی: ۰۳۸۱-۲۷۱۷



۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته ژئوپلیتیک، دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

shadalizadealiakbar@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری، رشته مدیریت دفاعی، دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا، تهران، ایران

۳. استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا، تهران، ایران، تهران، ایران

مقدمه

غرب آسیا منطقه‌ای است که با ویژگی‌های خاصی همچون قرار گرفتن در میان سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا خاستگاه ظهور امپراتوری‌های بزرگ و محور تبادلات و تحولات منطقه‌ای در طول تاریخ بوده است. این منطقه به دلیل وجود آبراهه‌ها و تنگه‌های مهم بین‌المللی و قلب تپنده حوزه فرهنگی اسلام جزء مناطق منحصربه‌فرد جهان بوده است (رفیعی راد و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۶). در اواخر قرن بیستم با اکتشافات گسترده نفت در منطقه غرب آسیا به‌خصوص در کشورهای حوضه خلیج فارس زمینه را برای ورود قدرت‌های اروپایی باز کرد. با افول قدرت نظامی انگلستان در طول جنگ جهانی دوم و خروج انگلستان از این منطقه به تدریج بر نفوذ ایالات متحده آمریکا در این منطقه افزوده شد و با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و حمله نظامی ایالات متحده به عراق و افغانستان تنها قدرت فرا منطقه‌ای در منطقه غرب آسیا تلقی می‌شد (مطلبی و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۰). با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و مخالفت با هژمونی آمریکا به‌رغم تلاش‌های فراوان و صرف هزینه‌های هنگفت آمریکا برای تثبیت موقعیت هژمونی خود در منطقه نفت خیز خلیج فارس با چالش‌های جدی در این منطقه روبه‌رو کرد که نتیجه آن به وجود آمدن قدرت‌های منطقه‌ای در غرب آسیا را فراهم ساخت. با گذشت چند دهه از هژمونی آمریکا و به وجود آمدن قدرت‌های منطقه‌ای و شکاف‌های تودرتوی متعدد منطقه را با چالش روبه‌رو کرده است. غرب آسیا در حال تحول است و به نظر می‌رسد که سیاست‌های قدیمی آمریکا دیگر از کارایی لازم برخوردار نیستند و از سوی دیگر کاهش اهمیت انرژی غرب آسیا برای آمریکا باعث شده است تا ارزیابی‌های جدید از مداخله مستقیم ایالات متحده کاسته و بیشتر با استفاده از متحدان سنتی خود در منطقه این سیاست را دنبال نماید و خود بیشتر بر روی شرق آسیا متمرکز شود؛ و از سوی دیگر کشورهای منطقه نیز می‌دانند که در سال‌های آینده کشور چین هست که بیشترین نفت خاورمیانه را خریداری خواهد کرد پس سیاست‌های خارجی کشورهای منطقه سمت سویی شرقی پیدا می‌کنند (Walt and Mearsheimer, 2016: 71). جمهوری اسلامی ایران در طول چهار دهه گذشته با قالب‌هایی همچون مخالفت با هژمونی گرایی و قوم‌مداری آمریکا و تبدیل شدن به‌عنوان مرکزیت مقاومت در برابر اهداف سیاسی، نظامی و راهبردی آمریکا تبدیل به قدرتی منطقه‌ای شده که سیاست‌های آمریکا در منطقه را محدود به منازعات سیاسی و اقتصادی کرده است. از سوی دیگر ایالات متحده با خروج تدریجی از خاورمیانه و چالش‌های جاری در منطقه غرب آسیا تلاش دارد از استراتژی موازنه

سازی از راه دور استفاده کند. این استراتژی پیامدهایی از قبیل تغییر الگوی مداخله نظامی، افزایش نقش متحدان منطقه‌ای آمریکا در منطقه، تقویت دامنه جنگ‌های نیابتی، ایجاد اتحاد میان کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی و تقویت گروه‌های معارض ایرانی در مرزهای ایران اسلامی را به دنبال داشته است (Krieg, A. 2016: 24).

منطقه غرب آسیا، از زمان ورود قدرت‌های فرا منطقه‌ای در حال جنگ و درگیری بوده است که اکنون نظم امنیتی و سیاسی غرب آسیا گذار به یک نظم جدید منطقه‌ای است. یکی از این دگرگونی‌ها حضور نقش‌آفرینی تدریجی چین در این منطقه را می‌توان یکی از نمادهای مهم تغییر در نقش قدرت‌های بزرگ محسوب کرد. با ظهور قدرتمند اقتصادی چین حاکمیت‌های کشورهای غرب آسیا روابط سیاسی و دیپلماسی خود را به سمت شرق گسترش داده‌اند. تغییرات مذکور موجب تغییر در سمت‌گیری سیاست خارجی بازیگران عمده‌ی نظم نوین جهان در قبال مسائل بین‌المللی و منطقه‌ای گردیده است. حال با توجه به این‌که پارادایم تک‌قطبی در منطقه غرب آسیا شکاف برداشته و دیگر جوابگوی این نوع از نظم جهانی نیست و در حال گذار و جایگزینی به یک نظم جدید است که باعث برهم خوردن نظم کهن در منطقه که بر قواعدی چون کنشگری دولت‌های مقتدر و با مداخله مستقیم آمریکا رقم می‌خورده است و نظم منطقه به سمت پارادایمی جدید در حال حرکت هست که آثار این نظم جدید می‌تواند تحولات سیاسی، امنیتی و اقتصادی را به‌صورت گسترده‌ای تغییر داده و با فرصت‌ها و تهدیدهایی روبه‌رو کند. جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای مؤثر در معادلات سیاسی و امنیتی غرب آسیا می‌تواند به‌عنوان محور یک نظام منطقه‌ای در مدیریت مناقشات منطقه‌ای نقش اصلی را ایفا کند. از این‌رو محقق در این پژوهش در نظر دارد که جمهوری اسلامی ایران در این نظم منطقه‌ای جدید با کدام‌یک از چالش‌ها و فرصت‌ها روبه‌رو می‌شود؟ با قرارگیری جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای در حساس‌ترین نقطه ژئوپلیتیکی و استراتژیکی جهان، می‌تواند در جابجایی این نظم نقش مؤثر و حائز اهمیتی داشته باشد؛ اما مهم‌تر از هر چیزی ایران باید در نظم نوظهور منطقه‌ای، نقش شایسته خود را بیابد. برای پاسخ به این پرسش لازم است که جمهوری اسلامی ایران از اتفاقات و چالش‌های امروز در منطقه غرب آسیا بیشترین استفاده را داشته باشد و درصد برطرف کردن مناقشات سیاسی خود با دولت‌های منطقه‌ای باشد. از این‌رو پژوهش حاضر به دنبال شناسایی فرصت‌ها و تهدیدات پیشروی جمهوری اسلامی ایران در نظم منطقه‌ای جدید هست.

۱- مبانی نظری

۱-۲- تعاریف و اصلاحات

۱-۱-۲- قدرت منطقه‌ای

قدرت منطقه‌ای همان قدرتمندترین دولت‌ها در سطح مناطق یا سیستم‌های منطقه هستند که می‌توانند در یک منطقه قدرت‌نمایی کنند. تعداد قدرت‌های منطقه‌ای در هر منطقه متغیر بوده و بستگی به وضع توزیع قدرت در آن منطقه دارد. از این رو ممکن است منطقه از لحاظ قدرت شکل تک‌قطبی، دوقطبی یا چندقطبی داشته باشد. وضعیت تک‌قطبی معمولاً در مناطقی شکل می‌گیرد که قدرت منطقه‌ای خود قدرت بزرگ یا ابرقدرت نیز باشد همانند قدرت منطقه‌ای ایالات متحده در آمریکای شمالی و روسیه بعد از فروپاشی شوروی در آسیای میانه یا آسیای مرکزی. در این چنین مناطقی معمولاً ورود قدرت‌های فرا منطقه‌ای به‌سختی صورت می‌گیرد و یا در صورت محقق شدن این امر معمولاً موجب به وجود آمدن چالش‌هایی در منطقه می‌شود که همیشه به ضرر کشور کوچک بوده است (قنبر لو، ۱۳۸۸: ۵۴). با فروپاشی شوروی و از بین رفتن نظام دوقطبی، پیامدهای گسترده را با خود به همراه داشت. یکی از اصلی‌ترین این تحولات می‌توان به تحولات ژئوپلیتیکی و ظهور و بروز بازیگران جدید در مناطق ژئواستراتژی جهان اشاره نمود. قدرت‌های منطقه‌ای از جمله مهم‌ترین این بازیگران به شمار می‌آیند که نظم جهان را دستخوش دگرگونی قرار می‌دهند و موجب هویت‌یابی قدرت‌های منطقه‌ای جدید در تحلیل سیاست بین‌الملل می‌گردند (یزدان‌پناه درو، ۱۳۹۶: ۸۸). قدرت‌هایی که رهبری منطقه را بر عهده می‌گیرند در راستای تحت تأثیر قرار دادن اعضای منطقه برای حرکت در یک مسیر سیاسی و امنیتی گام برمی‌دارند. جمهوری اسلامی ایران در طول چهار دهه گذشته به‌عنوان مرکز محور مقاومت با قالب‌هایی همچون مخالفت با هژمونی گرایی و قوم‌مداری آمریکا و تبدیل شدن به‌عنوان مرکزیت مقاومت در برابر اهداف سیاسی، نظامی و راهبردی آمریکا تبدیل به قدرتی منطقه‌ای شده که سیاست‌های آمریکا در منطقه را محدود به منازعات سیاسی و اقتصادی کرده است (Krieg, 2016: 208).

۲-۱-۲- نظم نوین جهانی

در تئوری توطئه، اصطلاح نظم نوین جهانی به پیدایش حکومتی تمامیت‌خواه برای سلطه بر تمام دنیا اطلاق می‌گردد. در نظریه‌های توطئه درون‌مایه معمول نظم نوین جهانی پایگاه سری قدرتی از

نخبگان بین‌المللی در نظر گرفته می‌شوند که لیست بلندبالایی از اقداماتی که باید در سطح جهان انجام دهند در دست دارند و در حال دسیسه‌چینی برای حاکمیت بر جهان از طریق یک حکومت جهانی اقتدارگرا و قدرت‌طلب هستند (لویمی، ۱۴۰۰: ۸۷).

نظم نوین جهانی دوره‌ای در موازنه قدرت و باور ایدئولوژیکی است که تحقق نظم نوین جهانی را از طریق فهم، شناسایی و رفع مشکلات جهانی فراتر از توان واحدهای ملی میسر می‌داند. این اصطلاح به اصول ویلسون، جورج هربرت واکر بوش و گورباچف برای نظم پس از جنگ جهانی دوم بازمی‌گردد. نظم جهانی بعد از فروپاشی شوروی در پی تحقق جهان تک‌قطبی با تسلط ارزش‌ها و هنجارهای آمریکایی بر نظام بین‌الملل به وجود آمد. نظم نوین جهانی برای اولین بار در جنگ دوم خلیج فارس توسط بوش پدر مطرح گردید. حال بعد از سه دهه جهان دوباره در حال قدم‌گذاری به یک نظم جدید جهانی دیگری است. مسئله اصلی این نظم این است که به دلیل بروز منازعات میان قدرت‌های بزرگ مدعی رهبری جهان در عصر حاضر از جمله چین و ایالات متحده نظم نوین کنونی فاقد مشروعیت و نهادهای کارآمد برای رفع موانع تکوینی ساختارهای نظام حکومتی جهان است (پارسونز، ۲۰۰۳: صص ۴۱۷).

۳-۱-۲- هژمونی قدرت‌های فرا منطقه‌ای در غرب آسیا:

غرب آسیا در طول تاریخ به دلیل موقعیت ژئواستراتژیکی خود همیشه مورد توجه قدرت‌های بزرگ جهانی بوده. با شروع قرن رنسانس و هجوم قدرت‌های بزرگ اروپایی به قاره‌های آفریقا و آسیا هژمونی و سیطره قدرت‌های فرا منطقه‌ای به غرب آسیا شروع شد سیطره قدرت‌های اروپایی تا بعد از جنگ جهانی دوم ادامه یافت اما کشورهای اروپایی به دلیل جنگ‌های جهانی اول و دوم به شدت ضعیف و نیاز به یک بازسازی دوباره نیاز داشتند. از این رو هرچه کشورهای اروپایی تضعیف می‌شدند روز به روز بر قدرت ایالات متحده افزوده می‌شد. با خروج نظامی انگلیس به عنوان آخرین قدرت اروپایی از غرب آسیا دو قدرت پیروز شده جنگ جهانی دوم یعنی شوروی و ایالات متحده آمریکا در منطقه خاورمیانه تلقی می‌شدند (حاجی عبدالباقی معمار، ۱۴۰۳: ۴۸). در دوره جنگ سرد خلیج فارس از مناطق اصلی رقابت آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی بود و هریک از دو ابرقدرت سعی داشتند تا نفوذ خود را از طریق جذب بازیگران منطقه‌ای در خلیج فارس افزایش دهند. ایران و عربستان به عنوان متحدان اقتصادی

و نظامی آمریکا و رژیم بعث عراق روابط بسیار نزدیکی اتحاد جماهیر شوروی برقرار ساخته بود. با انقلاب جمهوری اسلامی ایران و دشمنی با هژمونی آمریکا باعث کاسته شدن قدرت برتر آمریکا در منطقه و تعامل هژمونی قدرت‌های فرا منطقه‌ای در غرب آسیا پیچیده‌تر شد؛ اما با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد از یک سو و حمله نظامی عراق به کویت در سال ۱۹۹۰ از سوی دیگر زمینه‌های لازم برای کسب موقعیت برتر نظامی برای آمریکا در خلیج فارس و حضور مستقیم آن در منطقه را بیشتر مهیا ساخت و بعد از یازده سپتامبر این هژمونی وارد فاز جدیدی کرد (Freedman, 1991: 209). با قدرت‌گیری اقتصادی و موازنه سازی کشورهای نظیر چین و روسیه و مخالفت برخی از کشورهای منطقه نظیر جمهوری اسلامی ایران به مرکزیت محور مقاومت و مخالفت با هژمونی و سیاست‌های یک‌طرفه ایالات متحده آمریکا را با چالش‌های جدی روبه‌رو کرده است.

۲- پیشینه پژوهش

با مطالعه روند تکامل علوم، متوجه می‌شود که این روند مرحله‌به‌مرحله صورت گرفته و کارهای انجام‌شده در گذشته، در حقیقت اساس و زیربنای تحقیقات جدید بوده‌اند؛ بنابراین، برخی از منابع و تحقیقات انجام‌شده‌ی مرتبط در این زمینه عبارت‌اند از:

دادگستر و محمدی (۱۴۰۱) در پژوهشی خود با عنوان بررسی سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا بر امنیت منطقه‌ای در غرب آسیا (۲۰۲۲-۲۰۰۱) بیان می‌کند که سیاست خارجی آمریکا بعد از یازده سپتامبر ۲۰۰۱ دوره جدیدی را در نظام بین‌الملل شروع کرد، در این دوره سردمداران و رهبران آمریکا از فرصت به‌دست‌آمده برای پیشبرد اهداف استراتژیک و هژمونی برتر آمریکا بر جهان که با راهبرد جنگ پیش‌دستانه و حمله پیشگیرانه را در پیش بگیرند. از این رو سیاست مداخله‌گرایانه آمریکا بر کشورهای غرب آسیا همچون عراق، سوریه، سرزمین‌های اشغالی موجب شد تا امنیت این کشورها تحت مؤلفه قدرت‌های فرا منطقه‌ای قرار بگیرند.

اسدی (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان تأثیر توان هسته‌ای ایران بر توان قدرت، روابط و امنیت منطقه‌ای بیان می‌کند که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با کسب تجربه‌های عینی و ملموس از جنگ ایران و عراق و تحولات مربوط به آن از جمله سیاست‌ها و موضع‌گیری‌های دو ابرقدرت شوروی و ایالات متحده آمریکا با شناخت اهمیت و نقش قدرت صنعتی و تکنولوژی بر وزن ژئوپلیتیکی کشورها تأثیر می‌گذارد. بر همین اساس با تحریم‌های دفاعی و نظامی ایران سیاست‌های دفاعی و ساخت

سلاح‌های نظامی ایران به سمت خوداتکایی پیدا کرد و صنایع نظامی و تسلیحاتی ایران گسترش و پیشرفت فوق‌العاده‌ای یافت. دانش ایران به دست‌یابی صلح‌آمیز هسته‌ای و پیش‌بینی دیگر موقعیت‌های آن در این زمینه نقش مهمی در تغییر توازن قدرت در منطقه پر چالش خاورمیانه به همراه داشته و بر امنیت و کیفیت مناسبات سیاسی ایران با کشورهای عربی تأثیر داشته است.

رفیعی راد و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان بررسی بسترهای امکانی منطقه غرب آسیا در بروز جنگ‌های ترکیبی با تأکید بر نظریه امنیت منطقه‌ای بیان می‌کند که موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی منطقه خاورمیانه باعث هجوم قدرت‌ها و رقابت قدرت‌های فرا منطقه‌ای و بین‌المللی را به همراه داشته است. این منطقه بعد از جنگ سرد منطقه مورد هدف تنازعات هدایت‌شده از سوی قدرت‌های غربی بود که با گذر شیوه‌های منظم و مقارن وارد جنگ‌های ترکیبی گرویده.

تام ویلر (۲۰۱۹) در کتابی با عنوان رویای آسیایی چین: ابتکار کمربند جاده و نظم جدید منطقه‌ای بیان می‌کند که ایده‌ها و سیاست داخلی در سیاست‌گذاری خارجی چین از رویکرد ساخت‌گرایی برای تحلیل این موضوع استفاده می‌کند. درحالی‌که نظریه‌های رئالیسم تهاجمی و نهادگرایی لیبرال به‌طور معمول در این زمینه مورد توجه قرار می‌گیرند، این مقاله بر اهمیت ایده‌ها، نهادها و رفتار در سیاست خارجی چین باهدف کلان پکن بازسازی نظم منطقه‌ای و جهانی با استفاده از ایده‌ها، هنجارها و قوانین جدید حاکمیتی است. در این راستا، دیپلماسی پیرامونی چین فراتر از همکاری‌های برد-برد با همسایگان عمل کرده و به‌عنوان ابزاری برای ترویج دیدگاه جدید چین از حکومت جهانی عمل می‌کند. دبلیو مول و فولکل پرتس (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان نظم منطقه‌ای خاورمیانه بیان می‌کند که خاورمیانه به‌عنوان یک منطقه پرتنش، از دیرباز تحت تأثیر درگیری‌ها و تعاملات پیچیده میان کشورهای عربی و قدرت‌های غیرعربی مانند اسرائیل و ایران بوده است. نظم سیاسی که پس از جنگ جهانی اول در این منطقه برقرار شد تا سال ۲۰۱۱ و وقوع «بهار عربی» به‌طور قابل توجهی پایدار باقی ماند. این ثبات عمدتاً ناشی از ضعف کشورهای عربی و عدم توانایی آن‌ها در ایجاد یک ساختار سیاسی قوی و یکپارچه بوده است. قدرت‌های خارجی به‌منظور جبران ضعف‌های داخلی کشورهای عربی به خاورمیانه مداخله کرده‌اند، اما این مداخلات غالباً به نفع خود آن‌ها بوده است. این ضعف نه‌تنها بر ثبات داخلی آن‌ها تأثیر می‌گذارد، بلکه زمینه‌ساز رقابت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نیز می‌شود. جنگ‌ها و درگیری‌های متعدد در

سوریه، عراق، یمن و لیبی نمونه‌هایی از این چالش‌ها هستند که نشان‌دهنده ناتوانی کشورهای عربی در مدیریت بحران‌ها و ایجاد همکاری‌های مؤثر است.

مارتین بک (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان تشدید مبارزه برای قدرت منطقه‌ای در خاورمیانه: متحدان آمریکایی عربستان سعودی و اسرائیل در مقابل ایرانیان می‌کند که عربستان سعودی، اسرائیل و ایران به‌عنوان بازیگران کلیدی در این رقابت شناخته می‌شوند. تغییر در توزیع قدرت منطقه‌ای نشان‌دهنده افزایش نفوذ این کشورها و تأثیر آن‌ها بر نظم امنیتی خاورمیانه است. درهم‌تنیدگی درگیری‌ها: تنش‌های میان اسرائیل و ایران به‌طور فزاینده‌ای با مناقشه عربستان سعودی و ایران مرتبط شده است که نشان‌دهنده پیچیدگی‌های جدید در سیاست‌های منطقه‌ای است.

بولنت ارس و شابان کارداش (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان ژئوپلیتیک خاورمیانه جدید: چشم‌اندازها از داخل و خارج بیان می‌کند که در دهه گذشته، امنیت منطقه‌ای در خاورمیانه و شمال آفریقا تحت تأثیر چرخه‌ای از نامنی و بی‌ثباتی قرار گرفته است. این بی‌ثباتی به دلیل درگیری‌های چندوجهی و دخالت بازیگران محلی، منطقه‌ای و جهانی تشدید شده است. منطقه به‌طور فزاینده‌ای به چرخه‌ای از خشونت کشیده شده است که تلاش‌های سیاسی برای اصلاحات را متوقف کرده است. این وضعیت نشان‌دهنده ناکامی بازیگران مختلف در پیشبرد برنامه‌های تحول سیاسی است. محیط امنیتی جدید در خاورمیانه و شمال آفریقا نه تنها بر نگرش‌های منطقه‌ای بلکه بر نگرش‌های فرا منطقه‌ای نسبت به این منطقه نیز تأثیر گذاشته است. با توجه به چالش‌های موجود، نیاز به رویکردهای جامع‌تر و همکاری‌های بین‌المللی برای مدیریت بحران‌ها و پیشبرد اصلاحات سیاسی احساس می‌شود.

۳- ادبیات تحقیق

نظم منطقه‌ای در خاورمیانه به مجموعه‌ای از ساختارها و الگوهای رفتاری اشاره دارد که روابط بین کشورها و بازیگران مختلف را در این منطقه شکل می‌دهد. این نظم تحت تأثیر عوامل متعددی از جمله تاریخ، سیاست، اقتصاد و هویت فرهنگی قرار دارد. نظم منطقه‌ای خاورمیانه با چالش‌های متعددی روبرو است که شامل بیداری اسلامی، گسترش روابط و توسعه همکاری اقتصادی با همسایگان و توسعه اتحاد منطقه‌ای، توسعه روابط با قدرت‌های جهانی، ایجاد نقش‌آفرینی فعال در بهبود و حل بحران‌های منطقه‌ای، تقویت محور مقاومت و همچنین استفاده از موقعیت استراتژیک جغرافیایی خود برای بهبود و شکل‌گیری ترانزیت انرژی و کالا و تهدیدهای احصاء شده شامل افزایش نفوذ رقبای منطقه‌ای، حضور

نظامی و سیاسی قدرت‌های خارجی، تحریم‌های اقتصادی و فشارهای بین‌المللی، ناپایداری‌های داخلی، اتحاد کشورهای عربی اسلامی با رژیم صهیونیستی، تغییرات ژئوپلیتیکی، گسترش حملات نظامی ایران با رژیم صهیونیستی می‌شود. برای دستیابی به یک نظم پایدار، نیاز به همکاری‌های بین‌المللی و تلاش برای ایجاد یک رژیم امنیتی جامع احساس می‌شود؛ که در زیر به بررسی برخی از آن‌ها می‌پردازیم.

۴-۱- بیداری اسلامی و گسترش روابط و توسعه اتحاد منطقه‌ای

هر کشوری برای قدرتمند شدن نیازمند داشتن رابطه در زمینه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی با دنیای خارج به‌ویژه کشورهای همسایه‌اش هست. با توجه به موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران در یک منطقه ژئواستراتژیکی و همسایگی با کشورهای عربی اسلامی در حوزه خلیج فارس، واقعیت این است که ناامنی این کانون انرژی که منشأ اقتصادی، سیاسی، امنیتی دارد نه به سود قدرت‌های بزرگ است، نه کشورهای منطقه؛ بنابراین اگر بخواهیم به امنیت واقعی در حوزه خلیج فارس دست‌یابیم، این کار بدون مشارکت کشورهای منطقه و هماهنگ شدن آن‌ها با اهداف استراتژیک جهانی امکان‌پذیر نیست (فلوریو، ۲۰۲۲: ۸۹). به نظر می‌رسد که در دوره حاضر با برقراری و نشست گروه‌های مختلف دوطرفه بین ایران و کشورهای عربی-اسلامی، می‌توان به افق روشن در روابط ایران با کشورهای عربی دست‌یافت. در این زمینه، ایران اصلح است به تدوین یک دستور کار ژئوپلیتیکی بپردازد که هم جوابگوی مشکلات منطقه‌ای باشد و هم مسائل جهانی. در راستای چنین دستور کار ژئوپلیتیکی است که وحدت و امنیت حوزه خلیج فارس به‌خوبی حفظ خواهد شد. مجموعه امنیتی منطقه‌ای خاورمیانه به‌عنوان یک ساختار پیچیده و وابسته متقابل، شامل کشورهای مختلف از مراکش تا ایران است و به‌طور خاص شامل دولت‌های عرب و اسرائیل می‌شود. بیداری اسلامی به‌عنوان یک پدیده مهم در جهان اسلام، فرصت‌های متعددی را برای ایجاد نظم منطقه‌ای فراهم کرده است. این پدیده نه تنها به تحولات سیاسی در کشورهای اسلامی منجر شده، بلکه به شکل‌گیری یک گفت‌وگوی جدید در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی نیز کمک کرده است. سیاست منطقه‌ای ایران پس از بهار عربی نه تنها بر اساس نیازهای داخلی بلکه تحت تأثیر تحولات بین‌المللی و رقابت‌های منطقه‌ای شکل گرفته است. این تغییرات نشان‌دهنده یک استراتژی پیچیده است که هدف آن حفظ قدرت و نفوذ ایران در یک محیط متغیر و چالش‌برانگیز است (فرهادی، ۱۴۰۰: ۴۰). پس از وقوع بهار عربی، ایران به‌عنوان

یک بازیگر کلیدی در تحولات منطقه‌ای ظاهر شد. این تحولات، فرصت‌هایی را برای ایران فراهم کرد تا نفوذ خود را در کشورهای عربی افزایش دهد، به‌ویژه در کشورهایی مانند سوریه، عراق و یمن. در این راستا، ایران توانست با حمایت از گروه‌های شیعه و دیگر نیروهای همسو با خود، موقعیت استراتژیک خود را تقویت کند. ایران پس از سال ۲۰۱۱، سیاست‌های خود را از رویارویی مستقیم با آمریکا و رژیم صهیونیستی تغییر داد و به سمت تقویت «محور مقاومت» حرکت کرد. این محور شامل گروه‌های مسلح و سیاسی است که در برابر نفوذ غرب و رژیم‌های حاکم در کشورهای عربی مقاومت می‌کنند. هدف اصلی ایران حفظ موقعیت منطقه‌ای خود و مقابله با تهدیدات ناشی از رقبا بود. ایران همچنین به دنبال ایجاد توازن میان قدرت‌های بین‌المللی بود تا بتواند تهدیدات را دفع کند. این عمل متعادل‌کننده شامل همکاری با قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای نظیر روسیه و چین و ایجاد یک مثلث قدرت بین ایران، روسیه و چین شده است که برای مقابله با نفوذ غرب در منطقه غرب آسیا، آسیای میانه و آسیای شرقی انجامیده است. این رویکرد به ایران کمک کرده است تا نفوذ خود را در خاورمیانه افزایش دهد و نقش خود را به‌عنوان یک بازیگر کلیدی تثبیت کند (رفععی، ۲۰۱۲: ۴۸).

۲-۴- تقویت محور مقاومت

محور مقاومت، به‌عنوان یک شبکه چندجانبه با اهداف استراتژیک مستحکم، به دفاع از ایران و متحدانش می‌پردازد. این محور شامل کشورهایی مانند سوریه و عراق گروه‌هایی نظیر حزب‌الله لبنان، حوثی‌های یمن، شبه‌نظامیان حماس با محوریت جمهوری اسلامی ایران است و ریشه‌های آن به همکاری‌های دفاعی در برابر اسرائیل و حمایت از آرمان فلسطین برمی‌گردد (عباسی، ۱۴۰۱: ۱۲۰). جمهوری اسلامی ایران با حمایت‌های مالی و نظامی از محور مقاومت توانسته است جایگاه خود را به‌عنوان بازیگر منطقه‌ای در منطقه خاورمیانه در مقابله با دکترین و مقابله با قدرت‌های فرا منطقه‌ای اهمیت نقش آفرینی خود را در معادلات منطقه‌ای چندین برابر کند. ادامه حمایت ایران از محور مقاومت در دهه‌های گذشته باعث شده که رقابت‌های ژئوپلیتیکی قدرت‌های منطقه‌ای مثل عربستان و ترکیه و قدرت‌های بزرگی همچون چین و روسیه را به منطقه پر چالش خاورمیانه باز کرده است که رقابت میان قدرت‌های فرا منطقه‌ای و منطقه‌ای را به‌شدت محسوس کرده است. هر یک از این بازیگران تلاش می‌کنند تا نفوذ خود را افزایش دهند و بحران‌های موجود را مدیریت کنند (جاسیز، ۱۴۰۲: ۴۵). محور مقاومت با بهره‌برداری از فرصت‌هایی نظیر تقویت هویت منطقه‌ای، ایجاد توازن قوا، حمایت از

جنبش‌های مردمی، افزایش قدرت نظامی و بهره‌برداری از منابع طبیعی، قادر است نظم جدیدی را در خاورمیانه شکل دهد. این نظم می‌تواند بر اساس همکاری‌های مشترک و کاهش نفوذ قدرت‌های فرا منطقه‌ای بنا شود که در نهایت منجر به ثبات بیشتری در منطقه خواهد شد.

۴-۳- توسعه روابط با قدرت‌های جهانی

در دوران پست‌مدرن کنونی، مدیریت مؤثر روابط اقتصادی بین‌المللی به همکاری و مشارکت نهادهای مختلف از جمله وزارت امور خارجه و دیگر وزارتخانه‌های مرتبط با سیاست‌های اقتصادی نیاز دارد. دولت‌هایی که به دنبال سیاست خارجی توسعه‌گرا هستند، به این باور رسیده‌اند که می‌توانند از عناصر و منابع موجود در اقتصاد جهانی برای توسعه اقتصادی داخلی بهره‌برداری کنند (دانش نیا، ۱۳۹۱: ۷۱). جهانی شدن به‌عنوان یک پدیده کلیدی، مرزها را در بسیاری از روندهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی از بین برده و به تحولاتی در ساختارهای قدرت و دیپلماسی منجر شده است. در این راستا، ژئواکونومیکی به همراه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژی، اهمیت مؤلفه‌های اقتصادی را افزایش داده و ارتباط نزدیکی با سطح توسعه‌یافتگی و توسعه‌نیافتگی کشورها پیدا کرده است. در شرایط کنونی، دستیابی به توانمندی اقتصادی و تحقق توسعه اقتصادی تنها از طریق تعامل مؤثر با اقتصاد جهانی امکان‌پذیر است؛ بنابراین، کشورها باید الزامات لازم برای تقویت دیپلماسی اقتصادی خود را شناسایی کرده و به اجرا بگذارند. این الزامات شامل تشکیل نهادهای مشخص در دستگاه دیپلماسی و ایجاد زیرساخت‌های مناسب برای بهبود شرایط اقتصادی داخلی است. ایران به‌عنوان یک مترو پل و مرکز در منطقه، به‌ویژه برای کشورهای فارسی‌زبان و آسیای میانه، دارای پتانسیل‌های قابل توجهی در زمینه ترانزیت و جذب سرمایه‌گذاری است (دانش نیا، ۱۳۹۱: ۷۰). این کشور با موقعیت جغرافیایی خود می‌تواند به‌عنوان یک پل ارتباطی میان بازارهای رو به گسترش این کشورها عمل کند. جمهوری اسلامی ایران برای توسعه روابط با قدرت‌های جهانی ناچار به بازکرده مرزهای خود به روی سرمایه‌گذاران خارجی و رابطه متقابل با کشورهای برتر در حوضه اقتصاد و فناوری است. در سال‌های اخیر با توجه به اتفاقات رخ داده و همچنین تحریم‌های اقتصادی که از سوی کشورهای اروپایی برای جمهوری اسلامی ایران وضع شده است سیاست‌مداران بیشتر میل به سمت سوی شرقی گرفته‌اند اما در این مدت بر اساس اتفاقات رخ داده قدرت‌های بزرگ اقتصادی و نظامی نظیر چین و روسیه به راحتی پشت کشورمان را خالی کرده‌اند. به‌طور کلی تدوین یک دیپلماسی اقتصادی فعال می‌تواند بسترهای لازم برای گسترش تعامل با اقتصاد

جهانی را فراهم کند. این امر نه تنها به جذب سرمایه‌گذاری خارجی کمک می‌کند بلکه می‌تواند به بی‌اثر کردن تحریم‌ها و افزایش قدرت ملی در عرصه بین‌المللی منجر شود. لذا ایجاد عزم جدی برای تحقق الزامات موردنیاز در این زمینه ضروری است (مجیدی و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۴).

۴-۴- موقعیت استراتژیک جغرافیایی و بهبود شکل‌گیری ترانزیت انرژی و کالا

ایران به‌عنوان یک کشور با موقعیت جغرافیایی استراتژیک، پتانسیل‌های زیادی برای بهبود و شکل‌گیری ترانزیت انرژی و کالا دارد. این کشور با دسترسی به دریای خزر در شمال و خلیج فارس و دریای عمان در جنوب، می‌تواند به‌عنوان یک کریدور مهم برای انتقال انرژی و کالاهای تجاری عمل کند. کشور ایران با توجه به موقعیت استراتژیک خود که می‌تواند شرق و غرب و از سوی دیگر شمال را به جنوب پیوند دهد از شرایط قابل‌ملاحظه‌ای برخوردار است. از سوی دیگر با توجه به قرارگیری کشورهای محصور در خشکی در منطقه اوراسیا و یا همان هارتلند و کشورهای حوضه قفقاز که در یک فضای بسته و به‌دوراز آب‌های آزاد قرار گرفته‌اند می‌تواند به‌عنوان پلی برای راه‌یابی منطقه اوراسیا به آب‌های گرم خلیج فارس و از طریق تنگه هرمز به آب‌های آزاد راه یابد. با توجه به شکل‌گیری کریدور شمال جنوب و نزدیکی کشورهای حوضه قفقاز و همچنین آسیای مرکزی به اقتصاد جهانی می‌تواند یک فرصت طلایی برای ایران محسوب شود. از سوی دیگر جنگ اوکراین و روسیه که باعث قرارگیری روسیه در یک تنگنای ژئوپلیتیکی شده باعث شده تا نهایی شدن این راه‌گذر بین‌المللی دوچندان شود. استفاده از موقعیت استراتژیک جغرافیایی ایران می‌تواند بهبود قابل‌توجهی در ترانزیت انرژی و کالا ایجاد کند. با اجرای سیاست‌های مناسب و توسعه زیرساخت‌ها، ایران قادر خواهد بود تا نقش آفرینی فعال خود را در اقتصاد جهانی تقویت کند و از مزایای اقتصادی بیشتری بهره‌مند شود و در بهبود حل بحران‌های منطقه‌ای فعال ظاهر شود.

۴-۵- حضور نظامی و سیاسی قدرت‌های خارجی

غرب آسیا به دلیل موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی و از سوی دیگر قرارگیری در کنار آبراه‌های جهان و از همه مهم‌تر وجود منابع انرژی در این منطقه باعث شده تا این منطقه همیشه در حال جنگ و نزاع باشد. با شروع جنگ‌های جهانی و گسترش استفاده از سوخت‌های فسیلی در تولید و اقتصاد این منطقه از اهمیت دوچندانی برخوردار شد. بعد از اتمام جنگ سرد و فروپاشی شوروی تنها قدرت پرنفوذ فرا منطقه‌ای در غرب آسیا ایالات متحده آمریکا بود که جمهوری اسلامی ایران از همان روزهای ابتدایی

دشمنی و مخالفت خود را با هژمونی ایالات متحده علنی کرد؛ اما توسعه‌طلبی‌های ایالات متحده آمریکا در خارج از قاره آمریکا، به‌ویژه پس از حوادث ۲۲ سپتامبر، به شکل قابل توجهی تغییر کرده و بر اساس منافع ملی این کشور تنظیم شده است. این تحولات به دنبال سقوط کمونیسم و تغییر در ساختار نظام بین‌الملل، فرصت‌هایی را برای آمریکا فراهم کرد تا سیاست‌های خود را در قالب مبارزه با تروریسم پیگیری کند (دادگستر، ۱۴۰۱: ۵۶). حضور سیاسی و نظامی ایالات متحده در منطقه غرب آسیا چالش‌های عمده‌ای را برای جمهوری اسلامی ایران به همراه داشته که این امر باعث شده تا ایران با کمک نیروهای نیابتی خود در کشورهای حلال شیعه با هژمونی ایالات متحده آمریکا مقابله کند.

۴-۶- افزایش نفوذ رقبای منطقه‌ای:

افزایش نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای در غرب آسیا به‌ویژه در سال‌های اخیر، به‌عنوان یک پدیده مهم در روابط بین‌الملل و سیاست‌های منطقه‌ای مورد توجه قرار گرفته است. این نفوذ به‌ویژه از سوی ایران و دیگر کشورها، تأثیرات قابل توجهی بر ساختار قدرت در این منطقه به وجود آورده است. در حال حاضر، منطقه غرب آسیا شاهد رقابت جدی میان قدرت‌های مختلف برای گسترش نفوذ خود است. این رقابت نه تنها شامل ایران می‌شود بلکه کشورهای دیگر مانند ترکیه و عربستان سعودی نیز به دنبال افزایش نفوذ خود هستند. با توجه به گسترش نفوذ اقتصادی کشورهای حوضه عربی خلیج فارس نظیر عربستان و قطر و از سوی دیگر گسترش اقتصادی و نظامی و سیاسی ترکیه در چند سال گذشته باعث شده است یکی از اصلی‌ترین رقبای قدرت در منطقه برای جمهوری اسلامی ایران تلقی شوند (درج، ۱۳۹۸: ۱۱۱). با توجه به اینکه عربستان سعودی و ترکیه به دنبال تقویت توان نظامی خود هستند. عربستان در تلاش است تا با دستیابی به فناوری‌های هسته‌ای و تسلیحات پیشرفته، تعادل قوا را در برابر ایران حفظ کند. این موضوع می‌تواند به افزایش تنش‌ها و احتمال وقوع درگیری نظامی منجر شود. از سوی دیگر عربستان سعودی به دنبال عادی‌سازی روابط با اسرائیل است که این امر می‌تواند تهدید جدی برای ایران باشد. اگر عربستان به این روند ادامه دهد، ممکن است سایر کشورهای عربی نیز به این مسیر بپیوندند و جبهه‌ای علیه ایران تشکیل دهند تلاش ترکیه و عربستان در چند سال اخیر برای نفوذ در کشورهای همسایه ایران، مانند عراق و سوریه، می‌تواند بر منافع ایران در این کشورها تأثیر منفی بگذارد و قدرت نفوذ ایران را کاهش دهد. افزایش قدرت منطقه‌ای عربستان سعودی و ترکیه چالش‌های جدی برای ایران ایجاد کرده است. رقابت نظامی، عادی‌سازی روابط با اسرائیل، نفوذ در کشورهای

همسایه، چالش‌های اقتصادی و تغییرات در سیاست خارجی ایالات متحده از جمله تهدیدهایی هستند که نیازمند توجه ویژه از سوی مقامات ایرانی هستند تا بتوانند استراتژی‌های مؤثری برای مقابله با این چالش‌ها تدوین کنند.

۴-۷- تحریم‌های اقتصادی و فشارهای بین‌المللی

جمهوری اسلامی ایران در یک‌روند عقلانی با توجه به کشش و ظرفیت خود، میزان دستاوردهای تداوم رفتار خود در حوزه دستیابی به فناوری هسته‌ای میزان جدیت و آستانه تحمل قدرت‌های اعمال‌کننده تحریم‌ها و همچنین میزان دستاوردها و خسارات ناشی از تغییر رفتار خود تصمیم می‌گیرد. تأثیر تحریم‌های بین‌المللی با توجه به ظرفیت و توانمندی‌ها یا آسیب‌پذیری‌های ایران تشدید شده یا تحلیل می‌روند. به‌طور مشخص، تحریم‌ها در بستر اقتصاد، اجتماع و سیاست ایران جریان یافته و بر ساحت‌های اجتماعی آن تأثیر خواهد گذاشت (یزدان‌فام، ۱۳۸۵: ۷۹۸). تحریم‌های اقتصادی علیه ایران به‌عنوان یکی از چالش‌های جدی برای اقتصاد این کشور شناخته می‌شود. این تحریم‌ها به‌ویژه از زمان خروج ایالات متحده از توافق هسته‌ای (برجام) در سال ۲۰۱۸ به‌شدت افزایش یافته و تأثیرات عمیقی بر بخش‌های مختلف اقتصادی که بخش‌های صنعت نفت و گاز ایران را مورد تحریم‌های ظالمانه‌ای قرار داده و دسترسی کشور را از رسیدن به تجهیزات پیشرفته و فناوری‌های استخراج را با محدودیت‌های جدی همراه کرده است. تحریم‌های اقتصادی باعث پایین آمدن ارزش پولی ریال ایران شده و افزایش هزینه‌های واردات باعث پایین آوردن قدرت خرید مردم و مشکلات معیشتی را با مشکلات زیادی روبه‌رو کرده است. پایین آمدن قدرت خرید و اقتصاد مردم باعث نارضایتی‌های عمومی شده که خود تهدید و چالش‌های جدی را پیش روی حاکمیت گذاشته است (ترکی، ۱۴۰۱: ۸۳).

۴-۸- ناپایداری‌های داخلی

ناپایداری فرایند پیشرفت توسعه از معضلات مزمن توسعه در ایران است. باگذشت نزدیک به نیم دهه از انقلاب اسلامی ایران کشور ما در حال پیشرفت و توسعه قلمداد می‌شود و مسائل آن رو به فزونی و راه‌کارها دور از دسترس است. ناپایداری‌های اجتماعی در ایران به‌عنوان یک چالش جدی، تهدیدات متعددی را برای جامعه و امنیت ملی به همراه دارد. این تهدیدات به‌طور مستقیم با مشکلات اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، زیست‌محیطی و چالش‌ها و بحران‌های آب مرتبط هستند و می‌توانند تبعات عمیقی بر ساختار اجتماعی و سیاسی کشور بگذارند. ناپایداری‌های اجتماعی معمولاً به نارضایتی عمومی

منجر می‌شوند که می‌تواند به اعتراضات و ناآرامی‌های اجتماعی منجر شود. این نارضایتی‌ها به‌ویژه در شرایط اقتصادی دشوار و بیکاری بالا، شدت بیشتری پیدا می‌کنند (قیصری، ۱۴۰۱: ۱۴). با توجه به شرایط بد اقتصادی بیش از نصف مردم ایران و نارضایتی عمومی از حاکمیت و نحوه استفاده از منابع و منافع ملی باعث شده که در سال گذشته بیشتر از نصف جمعیت ایران در انتخابات ریاست جمهوری شرکت نکنند که این خود تحدیدی برای حاکمیت قلمداد می‌شود. تغییرات اقلیمی و شرایط اقلیمی نامناسب منطقه غرب آسیا باعث تشدید چالش‌های زیست‌محیطی نظیر بحران آب در مناطق مرزی و همچنین چالش‌های آبی در مناطق مرکزی ایران نیز به‌شدت در حال رخ دادن است که نارضایتی‌های عمومی را تشدید کرده است.

۴-۹- اتحاد کشورهای عربی اسلامی با رژیم صهیونیستی

بعد از جنگ اعراب با اسرائیل تمام کشورهای عربی دشمنی خود را با رژیم صهیونیستی علنی کردند و بیش از نیم‌قرن درگیری بین کشورهای عربی و اسرائیل یکی از چالش‌های اصلی خاورمیانه درگیری اعراب با اسرائیل بود؛ اما تا چندین سال پیش به‌جز مصر و اردن هیچ کشور عربی با رژیم صهیونیستی روابط عادی نداشتند تا بعد از چندین سال امارات متحده عربی پذیرفت که این روابط را علنی کند و بعد از آن بحرین، سودان و مغرب نیز روابط خود را علنی کردند. این فرایند نشان داد که کشورهای عربی دشمنی خود بین اسرائیل با ایران را تغییر دادند که نشان‌دهنده عملی شدن پیمان صلح ابراهیم و عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی با کشورهای عربی اسلامی بوده است (زارعی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۷).

۴-۱۰- تغییرات ژئوپلیتیکی مرزها

تهدیدات ناشی از تغییرات ژئوپلیتیکی در مرزهای جمهوری اسلامی ایران به‌ویژه در منطقه قفقاز و خلیج فارس، به دلایل مختلفی از اهمیت بالایی برخوردار است. این تهدیدات می‌تواند تأثیرات عمیقی بر امنیت ملی ایران و روابط آن با کشورهای همسایه داشته باشند. تحولات اخیر در مرزهای شمال غربی ایران، به‌ویژه در روابط جمهوری آذربایجان و ارمنستان، می‌تواند به کاهش نفوذ ایران در این منطقه منجر شود. ایجاد یک اتحاد نامرئی بین آمریکا، ترکیه، آذربایجان و رژیم صهیونیستی به هدف تغییرات ژئوپلیتیکی علیه ایران و روسیه، یکی از نگرانی‌های اصلی است. احتمال حذف مرز ایران-ارمنستان در صورت احداث کریدور زنگزور، تهدیدات و چالش‌های جدی برای جمهوری اسلامی ایران به همراه

دارد. این کریدور که جمهوری آذربایجان را از طریق ارمنستان به نخجوان و سپس به ترکیه متصل می‌کند، می‌تواند منجر به تغییرات ژئوپلیتیکی و اقتصادی عمده‌ای در منطقه شود. با ایجاد این کریدور ترکیه عضو ناتو خود را به منطقه قفقاز و آسیای میانی نزدیک می‌کند و ایجاد اتحادیه کشورهای ترک و ورود ناتو به منطقه قفقاز و آسیا با ایجاد این کریدور خارج از انتظار نیست (اخباری، ۱۳۹۹: ۲۵). از سویی ادعای مالکیت امارات متحده به جزایر سه‌گانه در خلیج فارس شامل ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک از لحاظ استراتژیک و اقتصادی و شاهراه انرژی اهمیت بالایی دارند که می‌تواند تهدیدهای جدی را برای ایران به همراه داشته باشد. حضور قدرت‌های فرا منطقه‌ای مانند ایالات متحده در خلیج فارس و حمایت آن‌ها از ادعاهای کشورهای عربی می‌تواند به افزایش فشار بر ایران منجر شود (سارمانلو، ۱۳۹۴: ۲۸). این امر نه تنها امنیت ملی ایران را تهدید می‌کند بلکه می‌تواند به تشدید رقابت‌های ژئوپلیتیکی در منطقه منجر شود. تغییرات ژئوپلیتیکی در منطقه قفقاز و خلیج فارس، تهدیداتی جدی برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده است. این تهدیدات نیازمند دیپلماسی فعال و هوشمندانه از سوی ایران برای حفظ امنیت ملی و منافع اقتصادی کشور است. عدم توجه به این تحولات می‌تواند خسارات سنگینی را متوجه کشور کند.

۴-۱۱- گسترش حملات نظامی ایران با رژیم صهیونیستی

جنگ غزه منطقه خاورمیانه را به سمت یک بی‌نظمی بزرگی سوق داده است. از یک سو متحدشدن نیروهای مقاومت و ضربه‌های سنگین به رژیم صهیونیستی و از سوی دیگر سکوت کشورهای عربی که تمایل چندانی به قدرت گرفتن نیروهای مقاومت با محوریت ایران ندارند باعث شده این جنگ به‌طور فرسایشی درآورده شود حال با توجه به شرایط به وجود آمده در غرب آسیا و گسترده شدن حملات رژیم صهیونیستی به کشورهای محور مقاومت و ترورهای گسترده رهبران محور مقاومت ایران را در تنگنای تنش مستقیم با رژیم صهیونیستی برآورده است (نصری، ۱۳۹۰: ۱۱۰). گسترش حملات نظامی میان ایران و رژیم صهیونیستی تهدیدات جدی برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایجاد کرده است. افزایش تنش‌ها، فشارهای بین‌المللی، تقویت جبهه مخالفان، بحران‌های انسانی و تأثیرات اقتصادی از جمله چالش‌هایی هستند که می‌تواند در گسترده‌گی این حملات ایران را تحدید کنند. درگیری بین محور مقاومت با رژیم صهیونیستی منطقه غرب آسیا را یا وارد یک جنگ تمام‌عیار خواهد کرد که با

توجه به شرایط اقتصادی ایران این جنگ به هیچ وجه به نفع ایران نیست و می‌تواند شرایط را بدتر از قبل کند؛ و یا این که منطقه را وارد یک فاز جدیدی از نظم جدید سوق دهد. این نظم اگر با شکست محور مقاومت به پایان برسد می‌تواند شرایط را برای بهبودی روابط کشورهای اسلامی عربی را با رژیم صهیونیستی بیشتر از پیش کند که این امر نیز تهدیدها و چالش‌های بزرگی را برای کاهش نفوذ قدرت ایران در منطقه خواهد داشت (ابوالقاسم، ۱۴۰۳: ۳۲).

۴- روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نوع کاربردی بوده که با رویکرد توصیفی - تحلیلی به دنبال شناسایی فرصت‌ها و چالش‌های پیشروی جمهوری اسلامی ایران در نظم نوظهور منطقه‌ای است. روش تحقیق از نوع کیفی و موردی زمینه‌ای بوده که با استفاده از اسناد و مدارک کتابخانه‌ای و انجام مصاحبه با خبرگان و کارشناسان حوزه راهبردی ژئوپلیتیک و سیاست خارجی، فرصت‌ها و چالش‌های پیشروی جمهوری اسلامی ایران در نظم نوظهور منطقه‌ای را احصاء و پس از توزیع پرسشنامه در بین جامعه آماری (به صورت هدفمند ۳۷ نفر انتخاب گردیده است) و کسب نظر خبرگان مذکور و پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها، فرصت‌ها و چالش‌های پیشروی جمهوری اسلامی ایران در نظم نوظهور منطقه‌ای را احصاء نماید.

۵- یافته‌ها و تحلیل داده‌ها

پس از انجام مطالعات کتابخانه‌ای و انجام مصاحبه با خبرگان و کارشناسان مدنظر پژوهش، تعداد ۹ مؤلفه به عنوان تهدیدات و تعداد ۱۱ مؤلفه هم به عنوان فرصت‌های ژئوپلیتیکی پیشروی جمهوری اسلامی ایران در هندسه نظم نوین جهانی با توجه به تحولات منطقه ایندوپاسیفیک شناسایی و استخراج گردید که در جدول شماره (۱) درج شده‌اند.

جدول شماره (۱)، تهدیدات و چالش‌های پیشروی جمهوری اسلامی ایران در نظم نوظهور

منطقه‌ای

فرصت‌ها (O)	تهدیدات (T)
<p>بیداری اسلامی (O1)، توسعه روابط با قدرت‌های جهانی (O2)، گسترش روابط و توسعه همکاری اقتصادی با همسایگان و توسعه اتحاد منطقه‌ای (O3)، ایجاد نقش آفرینی فعال در بهبود و حل بحران‌های منطقه‌ای (O4)، فراهم بودن امکان بهره‌مندی ایران با باز شدن کریدورهای مختلف (O5)، گسترش حوزه نفوذ ایران در غرب آسیا (O6)، استفاده بهینه و به‌جا از موقعیت استراتژیکی و جغرافیایی کشور (O7)، ایجاد ترانزیت انرژی و کالا (O8)، گسترش حوزه نفوذ ایران در غرب آسیا (O9)، تقویت محور مقاومت (O10)، باز شدن پنجره جدید تعامل با دنیا (O11)</p>	<p>ظهور قدرت‌های اقتصادی جدید در منطقه (t1)، افزایش نفوذ رقبای منطقه‌ای (t2)، حضور نظامی و سیاسی قدرت‌های خارجی (t3)، تحریم‌های اقتصادی و فشارهای بین‌المللی (t4)، ناپایداری‌های داخلی (t5)، عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی با کشورهای عربی-اسلامی (t6)، تغییرات وزن ژئوپلیتیکی در منطقه (t7)، گسترش درگیری رژیم صهیونیستی با محور مقاومت (t8)، شعله‌ور شدن بحران غزه و تبدیل آن به یک جنگ منطقه‌ای (t9)، بحران‌های زیست‌محیطی نظیر بحران آب در منطقه (t10)</p>

تهدیدها و فرصت‌ها احصاء شده در قالب پرسشنامه‌ای در بین خبرگان و کارشناسان مدنظر پژوهش توزیع بر اساس طیف پنج گزینه‌ای لیکرت داده‌های حاصل به‌منظور اولویت‌بندی فرصت‌ها و چالش‌ها و شناسایی مهم‌ترین‌های هرکدام تجزیه و تحلیل گردید.

در ادامه ابتدا اطلاعات و داده‌های مربوط به آمارهای جمعیت شناختی پاسخ‌گویان در جداول شماره (۲) تا (۴) ارائه می‌گردد.

توزیع فراوانی مربوط به سابقه خدمتی افراد جامعه نمونه خبرگان در جدول شماره (۲) درج شده است.

جدول شماره (۲): توزیع فراوانی مربوط به سابقه خدمتی افراد جامعه نمونه خبرگان

میزان سن خدمتی	فراوانی	درصد فراوانی
۹ تا ۱۲ سال	۵	۱۳/۵۱۴
۱۲ تا ۲۰ سال	۴	۱۰/۸۱۱
۲۰ تا ۲۶ سال	۱۹	۵۱/۳۵۱
۲۶ سال به بالا	۹	۲۴/۳۲۴
جمع	۳۷	۱۰۰

با توجه به جدول بالا ۷۵/۶۷٪ حجم جامعه نمونه خبرگان دارای سابقه خدمتی بیش از ۲۰ سال می‌باشند که بیانگر بالا بودن تجربه جهت درک بهتر سؤالات و پاسخگویی مناسب به آن‌ها است. میزان تحصیلات کارکنان جامعه نمونه در جدول شماره (۳) درج شده است.

جدول شماره (۳): میزان تحصیلات کارکنان جامعه نمونه خبرگی

میزان تحصیلات	فراوانی	درصد فراوانی
فوق دیپلم	۰	۰
کارشناس	۶	۱۶/۲۱۶
کارشناس ارشد	۲۴	۶۴/۸۶۵
دکتر	۷	۱۸/۹۱۹
جمع	۳۷	۱۰۰

با توجه به جدول بالا ۸۳/۷۸٪ از جامعه نمونه حداقل دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد می‌باشند که بیانگر بالا بودن میزان تحصیلات و دانش تخصصی بالا جهت درک بهتر سوال‌ها و پاسخگویی مناسب به آن‌ها می‌باشد. فراوانی، درصد فراوانی و میزان آشنایی کارکنان جامعه نمونه با موضوع تحقیق در جدول شماره (۴) درج شده است.

جدول شماره (۴): میزان آشنایی کارکنان جامعه نمونه با موضوع تحقیق

میزان آشنایی	فراوانی	درصد فراوانی
خیلی کم	۰	۰
کم	۳	۸/۱۰۸
متوسط	۶	۱۸/۵۱
زیاد	۱۷	۴۸/۱۴
خیلی زیاد	۱۱	۲۹/۶۲
جمع	۳۷	۱۰۰

فراوانی و درصد توزیع فراوانی داده‌های به‌دست‌آمده گویای این مطلب است که آشنایی حداقل ۷۵/۶۷٪ از جامعه نمونه خبرگان با موضوع تحقیق زیاد و خیلی زیاد هست که بیانگر بالا بودن میزان آگاهی جهت درک بهتر سؤال‌ها و پاسخگویی مناسب به آن‌ها است. به‌منظور تأیید اعتبار و معناداری فرصت‌ها و چالش‌های احصاء شده از آزمون t تک نمونه‌ای برای مؤلفه‌های شناسایی شده به شرح جدول شماره (۵) استفاده شد.

جدول شماره (۵)، نتایج آزمون t تک نمونه‌ای برای فرصت‌ها و تهدیدهای احصاء شده

عنوان	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد	t	سطح معناداری
فرصت‌های پیش روی جمهوری اسلامی ایران در نظم نوظهور منطقه‌ای	۴/۱۳	۱/۱۲	۰/۶۰۱	۱۷/۰۶	۰/۰۱
چالش‌ها و تهدیدهای پیش روی جمهوری اسلامی ایران در نظم نوظهور منطقه‌ای	۴/۱۱	۱/۱۰	۰/۶۰۱	۱۶/۹۷	۰/۰۱

بررسی داده‌های جدول شماره (۵) نشان می‌دهد که:

- با اجرای آزمون در خصوص نظرات و آرا خبرگان در خصوص تأیید فرصت‌ها و تهدیدهای ژئوپلیتیکی پیشروی جمهوری اسلامی ایران در هندسه نظم نوین جهانی نرم‌افزار SPSS

میانگین ۳/۹۹ را در بخش فرصت‌ها و میانگین ۴/۱۱ را در بخش تهدیدها نشان می‌دهد که با میانگین فرضی، در سطح معناداری ۰/۰۱ تفاوت معنی‌داری وجود ندارد ($p\text{-value} = 0.00$) $(a = 0.01 <)$ بنابراین می‌توان استنباط نمود که فرصت‌ها و تهدیدهای ژئوپلیتیکی پیش روی جمهوری اسلامی ایران در هندسه نظم نوین جهانی از معناداری و اعتبار لازم برخوردار هستند. به‌منظور بررسی روایی و پایایی عوامل شناسایی شده از ضریب توافقی کندال و آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد که نتایج محاسبات در جدول شماره (۶) درج شده است.

جدول شماره (۶): محاسبه روایی و پایایی عوامل شناسایی شده با استفاده از ضریب توافقی

کندال و خی دو

عنوان	تعداد خبرگان	ضریب توافقی کندال	ضریب خی دو	درجه آزادی	سطح معناداری SIG
فرصت‌ها پیش روی جمهوری اسلامی ایران در نظم نوظهور منطقه‌ای	۳۷	۰/۱۶۳	۱۰۱۱/۵۴۸	۱۰۳	۰/۰۰۰
چالش‌های پیش روی جمهوری اسلامی ایران در نظم نوظهور منطقه‌ای	۳۷	۰/۱۵۹	۱۰۳۴/۸۴۹	۱۰۳	۰/۰۰۰

بر اساس نتایج جدول شماره (۶) مشخص گردید که با بیش از ۹۹ درصد اطمینان میان مصاحبه‌شوندگان که شامل خبرگان و صاحب‌نظران در رابطه با موضوع پژوهش بود در روایی عوامل احصاء شده توافق حاصل است، با توجه به $(P < 0/01)$ و ضریب‌های خی دو به‌دست آمده، بنابراین عوامل احصاء شده از روایی محتوایی لازم نیز برخوردار هستند. در خصوص پایایی فرصت‌ها و چالش‌های احصاء شده نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ نتایج به‌صورت جدول شماره (۷) می‌باشد.

جدول شماره (۷): محاسبه پایایی عوامل احصاء شده با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ

عنوان	تعداد مولفه‌ها	آلفای کرونباخ
فرصت‌های پیش روی جمهوری اسلامی ایران در نظم نوظهور منطقه‌ای	۱۱	۰/۸۹۶
تهدیدهای پیش روی جمهوری اسلامی ایران در نظم نوظهور منطقه‌ای	۱۰	۰/۸۴۸

با توجه به نتیجه پایایی مقیاس که از طریق آلفای کرونباخ به دست آمد، مشخص گردید مقیاس موردنظر دارای ضریب آلفای بیش از ۰/۷ می‌باشد و در نتیجه این عوامل احصاء شده شرایط پایایی را برای پایا بودن دارا هستند. همچنین با مشاهده ضریب همبستگی حاصل شده میان عوامل احصاء شده، معلوم می‌گردد که تمامی عوامل از شرایط مناسب جهت اخذ پایایی برخوردار هستند.

بعد از اطمینان حاصل شدن از اینکه فرصت‌ها و چالش‌های پیشروی جمهوری اسلامی ایران نظم نوظهور منطقه‌ای از اعتبار محتوایی و روایی و پایایی لازم برخوردارند، به منظور اولویت‌بندی فرصت‌ها و تهدیدهای احصاء شده بر اساس داده‌های حاصل از اطلاعات مندرج در جدول شماره (۸) برای فرصت‌ها و اطلاعات جدول شماره (۹) برای چالش‌ها و با استناد به میزان پراکندگی کمتر در اولویت بالاتر تجزیه و تحلیل مربوطه صورت پذیرفت.

داده‌های حاصل از توزیع پرسشنامه در بخش فرصت‌ها به شرح جدول شماره (۸) می‌باشد.

جدول شماره (۸)، داده‌ها و محاسبات مرتبط با فرصت‌ها

سطح معنی‌داری	آما ره آزمون	فاصله اطمینان		اولویت رتبه	ضریب پراکندگی	واریانس	میانگین	جمع	میزان توافق					مرفقه‌های احصاء شده
		ح د بالا	ح د پایین						کاملاً مخالفم	نظری	موافقم	کاملاً		
تائید	5. 13	4. 38	3. 62	1 0	0. 296	1 .41	4 .00	3 7	2 3	3 3	0 0	0 7	0 1	
تائید	5. 14	4. 34	3. 60	9	0. 290	1 .32	3 .97	3 7	1 5	0 1	0 6	0 2		
تائید	8. 28	4. 67	4. 03	1	0. 228	0 .98	4 .35	3 7	1 2	0 0	0 2	0 3		
تائید	7. 74	4. 66	3. 99	2	0. 241	1 .08	4 .32	3 7	1 2	0 0	0 3	0 4		
تائید	6. 35	4. 59	3. 84	7	0. 276	1 .36	4 .22	3 7	1 4	0 0	0 3	0 5		
تائید	5. 12	4. 23	3. 55	6	0. 272	1 .12	3 .89	3 7	1 4	0 5	0 2	0 6		
تائید	5. 62	4. 31	3. 63	5	0. 265	1 .11	3 .97	3 7	1 2	0 0	0 5	0 7		
تائید	4. 77	4. 30	3. 54	1	0. 299	1 .37	3 .92	3 7	1 5	0 0	0 6	0 8		
تائید	6. 82	4. 53	3. 85	4	0. 253	1 .13	4 .19	3 7	1 3	0 1	0 9	0 9		
تائید	6. 12	4. 57	3. 81	8	0. 282	1 .40	4 .19	3 7	2 3	0 0	0 1	0 10		
تائید	6. 99	4. 52	3. 86	3	0. 247	1 .07	4 .19	3 7	1 2	0 0	0 9	0 11		

بر اساس نتایج محاسبات به‌دست‌آمده در جدول فوق که حاوی نظرات و آراء خبرگان بوده است، اولویت‌های یکم تا چهارم فرصت‌های ژئوپلیتیکی پیشروی جمهوری اسلامی ایران در هندسه نظم نوین جهانی شامل گسترش روابط و توسعه همکاری اقتصادی با همسایگان و توسعه اتحاد منطقه‌ای

(03) فراهم بودن امکان بهره‌مندی ایران با باز شدن کریدورهای مختلف، (04) باز شدن پنجره

جدید تعامل با دنیا، (011) و گسترش حوزه نفوذ ایران در غرب آسیا (09). ضمناً همان‌طور که در

ستون آخر مشاهده می‌شود با مقایسه مقدار آماره آزمون و مقدار بحرانی اولویت هر یک از موارد

تعیین شده مورد تأیید قرار می‌گیرد.

داده‌های حاصل از توزیع پرسشنامه در بخش تهدیدها به شرح جدول شماره (9) می‌باشد.

جدول شماره (9)، داده‌ها و محاسبات مرتبط با چالش‌ها

سطح معنی‌داری	آما ره آزمون	فاصله اطمینان		توجه بهره	ضریب پراکندگی	وابستگی	بهره زیاد	نوع توجه	میزان توافقی					مرفه‌های احصاء شده
		ح د بالا	ح د پایین						کاملاً	مخالفم	نظری	مواقفم	کاملاً	
تأیید	5. 13	4. 38	3. 62	7	0. 296	1 .41	4 .00	3 7	2	3		0	7	t 1
تأیید	7. 74	4. 66	3. 99	3	0. 241	1 .08	4 .32	3 7	1	2			3	t 2
تأیید	4. 95	4. 36	3. 59	8	0. 301	1 .43	3 .97	3 7	3	2		4	5	t 3
تأیید	4. 60	4. 27	3. 51	9	0. 303	1 .39	3 .89	3 7	2	4		3	4	t 4
تأیید	8. 56	4. 73	4. 08	1	0. 227	1 .00	4 .41	3 7	1	2			4	t 5
تأیید	6. 56	4. 51	3. 81	4	0. 259	1 .16	4 .16	3 7	2	1		2	8	t 6
تأیید	5. 62	4. 31	3. 63	5	0. 265	1 .11	3 .97	3 7	1	2		0	5	t 7
تأیید	5. 85	4. 44	3. 72	6	0. 275	1 .26	4 .08	3 7	1	4		0	8	t 8
تأیید	7. 09	4. 55	3. 88	2	0. 247	1 .09	4 .22	3 7	1	3		2	9	t 9
تأیید	7. 27	4. 48	3. 85	1 0	0. 236	0 .95	4 .16	3 7	1	2		5	6	t 10

بر اساس نتایج محاسبات به دست آمده در جدول فوق که حاوی نظرات و آراء خبرگان بوده است، اولویت‌های یکم تا چهارم چالش‌های پیشروی جمهوری اسلامی ایران در نوظهور منطقه‌ای شامل شعله‌ور شدن بحران غزه و تبدیل آن به یک جنگ منطقه‌ای (15)، ظهور قدرت‌های اقتصادی جدید در منطقه (19)، افزایش نفوذ رقبای منطقه‌ای (2) و عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی با کشورهای عربی-اسلامی (16). ضمناً همان‌طور که در ستون آخر مشاهده می‌شود با مقایسه مقدار آماره آزمون و مقدار بحرانی اولویت هر یک از موارد تعیین شده مورد تأیید قرار می‌گیرد.

۶- نتیجه‌گیری

با عبور جهان تک‌قطبی به نمایندگی و رهبری ایالات متحده آمریکا به یک نظم جدید جهانی باعث شده است که مناطق حساس جهان مخصوصاً منطقه غرب آسیا با یک نظم نوظهور منطقه‌ای جدید که برگرفته از قدرت‌های بومی و محلی این منطقه است شکل بگیرد. غرب آسیا یا منطقه پر چالش خاورمیانه به دلیل قرارگیری در نقطه استراتژیک جهان که هم بیضی انرژی را در خود جای داده و از سوی دیگر بزرگ‌ترین آبراهه‌های جهان در این منطقه قرار دارند. با ورود منطقه به یک دوره جدید با بازیگران و قدرت‌های اقتصادی، نظامی، سیاسی در چند سال اخیر این منطقه را وارد یک فاز جدیدی از رقابت‌ها وارد کرده است. جمهوری اسلامی ایران بعد از انقلاب اسلامی جزو بزرگ‌ترین قدرت‌های منطقه‌ای در غرب آسیا به حساب می‌آید اما در سال‌های گذشته به دلیل تحریم‌های اقتصادی فلج‌کننده از سوی دولت‌های بزرگ جهانی روزبه‌روز از قدرت اقتصادی این کشور کاسته شده که نتیجه این امر افزایش نفوذ قدرت‌های بزرگی نظیر ترکیه و عربستان در حوضه اقتصادی، نظامی و سیاسی گردیده است. در این نظم نوظهور منطقه‌ای که در حال رخ دادن است می‌توان گفت یک مقطع زمانی حیاتی برای جایابی کشورهاست؛ دوره‌ای که هم در صورت غفلت از سیاست‌گذاری‌های واقع‌بینانه، بالقوه خطرآفرین است و هم در صورت هوشیاری و بهره‌برداری از آن، فرصت‌آفرین هست. پژوهش حاضر به منظور شناسایی و احصاء چالش‌ها و فرصت‌های پیشروی جمهوری اسلامی ایران را درگیر خود می‌کند انجام گردیده است.

با انجام مصاحبه‌ها و مطالعات کتابخانه‌ای، تعداد (۱۰) گزینه به‌عنوان چالش‌ها پیشرو و تعداد (۱۱) گزینه به‌عنوان فرصت‌ها و چالش‌های پیشروی جمهوری اسلامی ایران در نظم جدید منطقه‌ای شناسایی گردید که با نظر خبرگان و توزیع پرسشنامه هم‌روایی و پایایی آن‌ها مورد تأیید قرار گرفت و در پایان نیز مهم‌ترین فرصت‌ها و چالش‌های پیش رو بر اساس معیارهای تعریف‌شده شناسایی گردید.

با توجه به مباحث مطرح‌شده پیشنهاد می‌گردد:

- ❖ استفاده درست از موقعیت جغرافیایی کشور در رابطه با دالان‌ها و راه‌های ارتباطی برای بهبود وضعیت اقتصادی؛
- ❖ ایجاد یک اتحاد منطقه‌ای با همکاری‌های اقتصادی و سیاسی با همسایگان برای رقابت با رقبای منطقه‌ای؛
- ❖ ایجاد یک دوره جدید دیپلماسی با دنیا برای سرمایه‌گذاری‌های خارجی؛
- ❖ ایجاد روابط اقتصادی، سیاسی و نظامی با کشورهای اسلامی برای پیشگیری از اتحاد کشورهای اسلامی با رژیم صهیونیستی؛
- ❖ بهبود شرایط اقتصادی و معیشتی مردم برای جلوگیری از نارضایتی‌های عمومی و ناپایداری‌های داخلی؛
- ❖ ایجاد دور جدیدی از دیپلماسی و مذاکرات برای رفع تحریم‌های اقتصادی و بین‌المللی؛

فهرست منابع

- اخباری، محمد(۱۳۹۹). پیامد ژئوپلیتیک بحران قره‌باغ بر مناسبات جمهوری اسلامی ایران در قفقاز، آمایش سیاسی فضا، ۳(۱)، ۲۰-۳۰.
- اسدی، بیژن(۱۳۸۶). تأثیر توان هسته‌ای ایران بر توان قدرت، روابط و امنیت منطقه‌ای، پژوهش‌نامه علوم سیاسی، ۲(۱)، ۱-۳۱.
- پیری سارمانلو، ازدر(۱۳۹۴). ژئوپلیتیکی خلیج‌فارس: تهدیدها و فرصت‌های فراروی جمهوری اسلامی ایران، پژوهش ملل، ۱(۲)، ۱-۲۳.
- ترکی، لایلا و مظاهری، باران(۱۴۰۱). تأثیرات اقتصادی تحریم‌های مالی بر اقتصاد ایران، پژوهش‌های اقتصادی، ۲۲(۴)، ۶۹-۹۸.
- جاسیز، احمد و رضا پور، دانیال(۱۴۰۲). نوموس، محور مقاومت و نظم منطقه‌ای در غرب آسیا، سیاست پژوهی جهان اسلام، ۹(۲)، ۴۱-۶۳.
- حاجی عبدالباقی معمار، علیرضا و روحی دهبه، مجید(۱۴۰۳). بررسی نقش بازیگران غیر دولتی همسو با جمهوری اسلامی ایران بر محیط امنیتی غرب آسیا بعد از تحولات امنیتی ۲۰۱۱ میلادی، محیط شناسی راهبردی ج.ا. ایران، ۸(۱)، ۵۰-۸۲.
- دادگستر، هادی ذکاء و محمدی، محمد شاه(۱۴۰۱). بررسی سیاست خارجی ایالات‌متحده آمریکا بر امنیت منطقه‌ای بر غرب آسیا (۲۰۰۱-۲۰۲۲)، دانش تفسیر سیاسی، ۱۴(۱۲)، ۵۴-۸۵.
- دانش‌نیا، فرهاد(۱۳۹۱). دیپلماسی اقتصادی و سیاست خارجی توسعه‌گرا؛ ابزارهای موفقیت راهبرد توسعه‌ای ج.ا.ا. در اقتصاد جهانی، مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، ۳(۹)، ۶۷-۸۶.
- درج، حمید و مسعود نیا(۱۳۹۸). تجزیه تحلیل رویکرد و منافع ژئوپلیتیکی سه کشور ایران، ترکیه و عربستان در قبال تحولات سوریه، پژوهش‌های جغرافیای سیاسی، ۴(۳)، ۱۰۶-۱۳۲.
- رفیعی راد، جواد؛ صفوی، سید یحیی؛ زارعی، سعدالله و اصغر بیک، علی(۱۳۹۹). بررسی بسترهای امکانی منطقه غرب آسیا در بروز جنگ‌های ترکیبی با تأکید بر نظریه امنیت منطقه‌ای، امنیت ملی، ۱۰(۳۶)، ۳۵-۶۸.
- زارعی، غفار؛ فدایی‌دولت، غلام‌عباس و نریمانی، حسن(۱۳۹۹). بررسی روابط عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰. مطالعات منافع ملی، ۲۰(۵)، ۱-۲۲.
- عباسی، مجید؛ محمود زاده، فاطمه(۱۴۰۱). تحلیلی بر حمایت ایدئولوژیک ایران از محور مقاومت اسلامی در غرب آسیا، مطالعات دفاع مقدس، ۸(۲)، ۱۱۷-۱۳۶.

- فرهادی، فرشید؛ هدایتی، محمدرضا (۱۴۰۰). آینده نظم منطقه‌ای در خاورمیانه در افق ۲۰۳۰، آینده پژوهی دفاعی، ۶(۲۲)، ۳۷-۶۷.
- فقه مجیدی، علی؛ صمدی پور، شهلا و سلامی، فریبا (۱۳۹۸). تأثیر ابعاد جهانی شدن بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه، سیاست‌های راهبردی و کلان، ۷(۲۵)، ۳۰-۴۵.
- قنبرلو، عبدالله (۱۳۸۸). مفهوم و ماهیت قدرت منطقه‌ای، مطالعات راهبردی، ۱۲(۴)، ۳۸-۶۶.
- قیصری، نوراله؛ ذاکر اصفهانی، علیرضا و جلال زاده، وحید (۱۴۰۱). ناپایداری توسعه در جمهوری اسلامی ایران، اجماع نخبگان، فرایندهای مشارکتی، تمرکززدایی، مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایران، ۱۰(۱)، ۸-۲۷.
- لویمی، خدیجه؛ کریمی‌نیا، محمدمهدی و انصاری مقدم، مجتبی (۱۴۰۰). تحلیل نقش نظم نوین جهانی در خاورمیانه، پژوهش‌های معاصر در علوم تحقیقات، ۳(۲۷)، ۱-۱۳.
- مطلبی، مسعود؛ عباسی، مهدی و قدیم ماللو، علی (۱۳۹۷). خلیج فارس در هندسه قدرت نظام جهانی و نقش قدرت‌های فرا منطقه‌ای در آن، راهبرد سیاسی، ۱(۴)، ۳۹-۶۰.
- نصری، قدیر (۱۳۹۰). تاملی نظری در یافته‌ها و دشواری‌های باری بوزان در بررسی امنیت ملی، مطالعات راهبردی، ۱۴(۱۴)، ۱۰۵-۱۳۴.
- یزدان پناه درو، کیومرث؛ خاتونی، مجتبی (۱۳۹۶). ظهور بازیگران جدید در حوضه ژئوپلیتیک و نقش رسانه‌های اجتماعی با تأکید بر تروریسم، جغرافیا و ماطق منطقه‌ای، ۸(۱)، ۷-۱۶.
- یزدان فام، محمود (۱۳۸۵). تحریم‌های بین‌المللی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، مطالعات راهبردی، ۸(۸)، ۷۹۰-۸۲۱.
- Bulent Ares and Shaban Kardash (2021). Geopolitics of the new Middle East: perspectives from inside and outside, *Journal of Balkan and Near East Studies*, pp. 396-403
- Florio, J. (2022). *Queen Anna's New World of Words; Or, Dictionarie of the Italian and English Tongues*. DigiCat.
- Krieg, A. (2016). "Externalizing the Burden of war: the Obama Doctrine and US Foreign Policy in the Middle East", *International Affairs*, Vol. 92, No. 1.
- Martin Beck (2020). Intensification of the struggle for regional power in the Middle East: American allies Saudi Arabia and Israel against Iran, *Foreign Policy Quarterly*, Number One, Volume 11, Pages 84-92.

- Mersheimer, John J. and M. Walt Stephen (2016). The Case for Offshore Balancing: A Superior U.S. Grand Strategy. Council on Foreign Relations. Number 4. Volume 95. Page 70-83.
- Miller. T (2017). China's Asian Dream: Building an Empire Along the New Silk Road, Yellow Books, 1st ed.
- Mohseni, Payam (2013). Islamic Awakening: Iran's Great Narrative of the Arab Uprisings,
- Parsons, K. J., Robinson, B. W., & Hrbek, T. (2003). Getting into shape: an empirical comparison of traditional truss-based morphometric methods with a newer geometric method applied to New World cichlids. *Environmental Biology of Fishes*, 67, Pp 417-431.
- Shaban K and Bulent. A. (2021). Geopolitics of the New Middle East: Perspectives from Inside and Outside, *Journal of Balkan and Near Eastern Studies*, 23(3), pp. 402-397.
- Taj Center for Middle East Studies, No. 71, pp. 14-3 Rafati, Naisan (2012). After the Arab Spring: Changing power in the Middle East? Iran and the Arab Spring
- Volker Peretz, Hans W. Mol (2018). The Middle Eastern Regional Order, Oxford Academic pp143-160